

## کره و تدلیس در فراخوان های کنگره همبستگی ایرانیان

امیرفیض- حقوقدان

در لایحه اعتراضی ایرانیارگرامی آقای امیرابراهیمی به جبهه کنگره همبستگی ایرانیان اظهار شده است که: >برخی نامشان در مشارکت و پیامشاورت هست ولی خودشان کوچکترین اطلاعی از موضوع ندارند<

نظریه اینکه در جریان مزبور، سنگرسابقه اجرایی دارد و آن سابقه میتواند دلیل لایحه اعتراضی آقای امیرابراهیمی باشد و نظریه اینکه کره و تدلیس در امر بیعت و شهادت مبطل بیعت و بی اثر ساختن دستاوردهای حاصل از شهادت و بیعت است لذا تنظیم تحریر حاضر، شاهد وجود کره و تدلیس و تقلب در صورت سازی های آقای نصر اصفهانی و متلاشی ساختن مشروعیت فعالیت سیاسی کنگره همبستگی و نهایتاً جبهه تازه ای است که با شرکت کنگره همبستگی اعلام موجودیت کرده است.



پس از آنکه صورت اسامی بلند بالای بیعت کنندگان با فراخوان کنگره همبستگی ایرانیان در سال ۱۳۸۵ در کیهان لندن و بصورت اعلامیه ای از جانب کنگره منتشر شد حیرت زیادی را موجب گردید زیرا نامهای بسیاری از شخصیت های رژیم سلطنتی ایران و یا شخصیت های نظامی که اساساً در کار مبارزه در ۲۷ سال گذشته فعالیت نداشته اند به عنوان موافقت با لاتاری گذاشتن رژیم سلطنتی ایران یعنی بیعت با چنین امر خلاف سنت و فرهنگ و قانون اساسی دیده میشود.

آن لیست کذائی که به همت! آقایان نصر اصفهانی و باتمانقلیچ در وسیع ترین حالت تهیه شده بود کاملاً بیسابقه و نمودار بیعت جمع کثیری از شخصیت های سیاسی و نظامی ایران شاهنشاهی با لاتاری گذاشتن سلطنت میشد و این درست همان دستاوردی بود که کنگره همبستگی ایرانیان مامور انجام آن شده بود.

زیرا بیعت نسبت به موضوعی عام (رفراندم نسبت به هر موضوع عام است) لازم نمیسازد که تمامی افراد یک شهر و یا یک کشور تشریفات بیعت را یکایک عمل کنند بلکه همینکه مشاهیر و بزرگان آن شهر بیعت یعنی موافقت با موضوع کردند بیعت حاصل است رفراندم تشریفات برای رسمیت دادن به بیعت است.

بنابر موجبات بالا، بنده به راحتی از اسامی مندرج در فراخوان نگذشتم و در همان زمان با شخصیت هائی که نامشان در فراخوان آمده بود تماس گرفتم و برخی از آنان هم خودشان با سنگر تماس گرفتند که بخشی از آن تماسها در همان تاریخ در سنگر ۱۵ شهریور سال ۱۳۸۵ ذکر شده است و اکنون به مواردی چند از همان سنگر به عنوان دلیل ناصلی بیعت فراخوانی مزبور و همچنین احراز تقلب و کره و تدلیس در استفاده از نام و شخصیت دیگران و رابطه بی اعتباری آن در فعالیت سیاسی گذشته و آینده کنگره همبستگی ایرانیان اشاره میشود.

### ۱- شاهد اول ok-ok-ok

بایکی از آقایان تانید کننده فراخوان (در مقالات سنگر به آن اشخاص عنوان بیعتی داده شده است) تماس تلفنی گرفتم ایشان یک شخصیت استوار و معتقد به حقانیت سلطنت است و از دوستان و مریدان شادروان شهرام جاوید پور بوده است و بوسیله ایشان هم به سنگر معرفی و بسیار نزدیک بود.

پس از احوال پرسی و اظهار تعجب و در عین حال خوشحالی که با ایشان تماس گرفته ام گفتم مایلم بدانم که حضرتعالی به چه دلایل منطقی و یاقانونی رسیده اید که تداوم سلطنت را موکول به همه پرسى دانسته اید؟ گمانم این است که شما در سابق چنین عقیده ای را نداشته اید و مکاتبات فیما بین گواه این حقیقت است.

ایشان گفتند «قسم میخورم شهدالله که وقتی آقای دکتر نصربا من صحبت کردند گفتم آقای دکتر این درست نیست که ما نظریه ای بر اصل تداوم سلطنت وارد کنیم و آن نظریه هم بقول سنگر لاتاری گذاشتن سنگر باشد (تشبیه رفراندوم نسبت به رژیم سلطنتی ایران به لاتاری از سازمان نیروهای رهایی بخش در آلمان است)

آقای دکتر نصرافهانی گفتند: «فلانی من خودم هم با عقیده شما موافقم که سلطنت نه انتخابی است و نه رفراندومی ولی راه نجات کشور از همین سه اصل که استحضار دارید میگذرد، همه پرسشی برای تعیین رژیم کشور- خودمختاری ایالات و ولایات و- جدانی دین و مذهب از حکومت»

گفتم آخر..... ایشان مهلت نداد که حرفم را تمام کنم **و گفتند آن بالاها شرطشان برای کمک به ماهمین سه اصل است ماهم که نمیتوانیم بدون کمک آنها ایران رانجات بدهیم** و انگهی شما شخص باتجربه ای هستید میدانید که انسان وقتی پیاده است خیلی چیزها میگوید که وقتی سوار شد فراموش میکند یکی از همین چیزها همین همه پرسشی برای تعیین رژیم سلطنتی است.

ایشان اصرار کرد که به مسئولیت من قبول کنید که از اهداف کنگره استقبال کنید گفتند اوکی - اوکی بنده هم گفتم اوکی

## ۲- شهادت تیمسار «مصلحت»

نام این شاهد محترم را مصلحت میگذاریم زیرا که خودشان فرمودند «فلانی مصلحت نیست که نام من رامطرح کنید»

پس از عرض سلام و احوال پرسشی عرض کردم تیمسار از کی سلطنت و تداوم آن از طریق همه پرسشی بوده است که حضرتعالی به این بدعت شوم و خلاف سنت ایرانی و متضاد با قانون اساسی و سوگند سربازی نظر مساعد داده اید؟

باحیرت و کمی هم ناراحتی و عصبانیت گفتند: «من کجا چنین نظریه ای دادم هر کس که مرا شناسد که شما میشناسید چرا من در آخر عمری چنین عملی مرتکب بشوم، این خلاف واقع چه بوده که بشما گفته شده است»

گفتم تیمسار عزیز اگر حضرتعالی رانمیشناختم یعنی به عقاید و پایداری و اعتقاد سرکاریه قانون اساسی و تداوم سلطنت ایران و مشروعیت آن آگاه نبودم که این تلفن را حضورتان نمیکردم من از رای و نظرو بیعت سرکار با همه پرسشی برای رژیم سلطنتی حیرت کردم که این مزاحمت تلفنی را فراهم ساختم، من به شرافت سربازی و نام و شهرت شما احترام میگذارم و آنرا عظمتی از شرافت و اعتقاد سیاسی خود میدانم. گفتند: «مقصودتان از رای دادن من چیست؟» گفتم تیمسار، نام شما در ذیل اعلامیه کنگره همبستگی ملی ثبت و درج و منتشر شده است که هدف و خواسته آن کنگره ۱- همه پرسشی برای تعیین رژیم کشورمان - خودمختاری به ایالات و ولایات و جدانی دین از حکومت است و این برنامه ها بتصدی آقای دکتر نصرافهانی مدیریت میشود.

فرمودند: «هان، فهمیدم کار از کجا خراب شده است؛ من با آقای دکتر نصرافهانی از دانشکده حقوق آشنا بودم ایشان را میشناختم در خارج از کشور هم گهگاه احوال مرا می پرسیدند روزی تلفن کردند و ضمن احوال پرسشی گفتند یک جلسه ای در واشنگتن قرار است برگزار شود من از حضرتعالی هم دعوت میکنم که تشریف بیاورید **و یک شخص خیرخواهی هم حاضر شده که هزینه مسافرت مدعوین را متقبل بشود** گفتم جلسه برای چیست؟ گفتند برای دیدار همگانی، تجدید دیدار، یادی از ایام گذشته، گفتم خیلی خوب است، چه کار مفیدی خیلی شائق هستم که چنین تجدید دیداری از ایام گذشته داشته باشیم اسم مرا هم بنویسید.

پس از مدتی مجددا تلفن کردند که از برنامه و تاریخ سفر با من صحبت کنند که متاسفانه بیماریم شدت یافته و به ایشان گفتم خیلی دلم میخواست که در آن جلسه به دیدار رفقا نائل میشدم ولی متاسفانه حالم بسیار بد است. همین و همین دیگر این چیزها که شما میگویند من بیعت کرده ام با همه پرسشی نسبت به تداوم سلطنت و یا تجزیه کشور از طریق خودمختاری ایالات ابا این صحبتها نبود نمیدانم مبانی این گله گذاری شما چیست مگر ممکن است بنده چنین عملی انجام بدهم»

برایشان مشروحا شرح دادم ایشان باناراحتی تمام گفتند: **چمن به دانش و بصیرت شما آگاهم و میدانم که مطلبی را بدون دلیل و مآخذ نمیگویند ولی آنچه که سبب شد که من باذکرنامم موافقت کنم حضوردرجلسه دیدارازرفقا و همقطاران بود که سالها ازهم دوربودیم و آنهم متاسفانه موفق به انجام نگریدید.**

### ۳- شهادت دیگر مورد تیمساراقصی

از آنجا که تیمساراقصی درنامه ای که به سنگرنوشته بودند خودرانماینده نیروی زمینی ارتش برای شرکت درکنگره همبستگی ایرانیان درنشست واشنگتن معرفی کرده بودند **چمن** نامه ایشان درهمان سنگر ۱۵ شهریورماه ۱۳۸۵ منعکس است. لازم شد که به یکی ازافسران ارشد نیروی زمینی خارج ازکشورتلفن کردم وضمن احوال پرسسی و گفتگوی معمول این پرسش رامطرح کردم که آیا افسران نیروهای زمینی ارتش درخارج ازکشوربه تیمساراقصی نمایندگی داده اند که دراجلاس واشنگتن حضوریافته و با انتخاب رژیم شاهنشاهی ایران ازطریق همه پرسسی نظر موافق بدهند؟

ایشان قاطعانه گفتند که **چنه**، چنین وکالت ویانمایندهی داده نشده است و اساسا درارتش نمایندگی ووکالت وامثال اینها معمول نیست بلکه تصمیمات ازطریق فرماندهی صورت میگیرد.....>

بعد اضافه کردند، **چهمانطورکه میدانید تیمساراقصی درتلویزیون هابرنامه دارد واین روزها هرکسی خودش راکاره ای میداند ایشان هم خودش رانماینده نیروی زمینی معرفی کرده است. بامردم است که این حرفهارتحویل بگیرند یاگیرند، هرکی هرکی عجیبی است، چه اعتراضی میتواند مطرح بشود به کجا وکی مطرح بشود. بعد اضافه کردند که <خوب از نمایندگی چه استفاده ای شده است.>**

مشروحا شرح دادم، هیچ خبرنداشتند، باتعجب گفتند به نام نیروی زمینی ارتش، لباس میدوزند و خودشان هم پرو میکنند و خودشان هم بتن میکنند. خیربنده نه بیعت کرده ام و نه به این حرفها موافقم و نه شرافت سربازی ام اجازه دخالت دراین امورنامربوط رامیدهد.

### ۴- شهادت شنیدنی

با یکی ازآقایان افسران که سالهاست سنگررامستفیض به دانستنی هامینماید تماس تلفنی گرفتم حالشان بسیارنامناسب بود که ازتماس تلفنی وایجاد مزاحمت متاسف شدم، دوبار خودم رامعرفی کردم ملتفت نشدند بعد که قدری صحبت کردم عذرخواهی کردند وگفتند که من وقتی قرصهای دارونی **چضد سرطانی** رامصرف میکنم بیحال میشوم وقوه تشخیص بسیار ضعیف میگردد بعد گفتند امری بود؟ عرض کردم استدعائی بود ولی فکرمیکنم سلامتی حضرتعالی وموقعیت کنونی اجازه طرح آنرا نمیدهد، ایشان گفتند نه بفرمائید من ازصحبت شما انرژی میگیرم. عرض کردم دراعلامیه کنگره همبستگی ملی نام حضرتعالی درکنارنام هائی آمده است که باهدف ارجاع رژیم سلطنتی به همه پرسسی وتفویض اختیارات خود مختاری به ایالات وولایات برای براندازی جمهوری اسلامی فعالیت خودراشروع کرده اند. ارادتمند حیرت کردم که چگونه حضرتعالی با آن سوابق ومکاتبات فیما بین، امروز باارجاع تداوم رژیم پادشاهی به همه پرسسی موافقت کرده اید؟ حال نامساعد ایشان لازم ساخت که توضیحات بیشتری بدهم که دادم.

ایشان گفتند بله تیمسار .....هم بمن تلفن کردند وسرزنشم نمودند که چرامرتکب چنین عملی شده ام به ایشان همان جوابی رادادم که اکنون به شما میدهم.

آقای دکترنصر اصفهانی، را اسما میشناختم ولی ارادتی حضورشان نداشتم یکی ازدوستان مثل خودشما معرف ایشان شد و شماره تلفن مرا به آقای دکترنصرداد ایشان یعنی آقای دکترنصر بمن تلفن کردند ومنهم متاسفانه درحالی بودم که بواسطه مصرف قرص های مسکن قوی حاضر به ذهن نبودم که بیرسم ویدارک کنم که مقصودشان چیست بیشتر صحبت ایشان درتعریف وتمجید ازبنده بود که میدانید عادت ما ایرانیان است، وآنچه که من ازصحبت ایشان فهمیدم براندازی جمهوری اسلامی بود که معلوم است نمیشود با آن مخالفت کرد. نمیدانم مسائلی که شما میگویند مانند موافقت باهمه پرسسی نسبت به رژیم سلطنتی و خودمختاری ایالات وولایات چگونه وارد آن صحبت کوتاه تلفنی شده است. وقتی برای

ایشان کاملاً توضیح دادم و تاکید کردم که عمل ثبت نامشان در زیراعلامیه مزبور به مفهوم بیعت با لاتاری گذاشتن سلطنت و باتجزیه کشور است ایشان بسیار ناراحت و متاثر شدند و چند بار به خودشان اهانت و سرزنش کردند که به افرادی اطمینان کرده و میکنند و در آخر هم گفتند «پس بند وجه المصلحه قرار گرفته ام»

#### ۵- شهادت یک شخصیت سیاسی غیر نظامی

به یکی از بیعت کنندگان که شخصیت محترمی است تلفن کردم برعکس تصور خیلی خوب مرا میشناختند و پس از احوال پرسی اولین سوالشان این بود که آیا سنگرتان منتشر میشود که البته پاسخ مثبت بود بعد مسئله راطرح کردم فرمودند عجب پس اینطوری است مایلید جریان را بدانید؟ در کمال احترام از حسن نیت و اعتماد ایشان به سنگر و سپاسگزاری ایشان فرمودند:

«آقای دکتر نصر به بنده تلفن کردند و احوالپرسی کردند و گفتند میخواهند سازمانی برای نجات ایران تشکیل بدهم و از بنده هم دعوت به همکاری کردند عرض کردم وقتی کاری از دست من برمیآید کسی به بنده رجوع نکرد و اکنون که ۸۶ سال دارم و میدانید که وضع مالی مساعدی هم ندارم که نه مال بدهم و نه جانی دارم که جان برای ایران فدا کنم. ایشان یعنی آقای دکتر نصر گفتند ما از حضرتعالی هیچ انتظاری نداریم فقط میخواهیم زیر سایه نام شما، شخصیت شما، سوابق شما، میهن پرستی شما و خدمات شما به ایران قرار داشته باشیم.»

آن شخصیت چنین ادامه داد «من ماندم که چه بگویم؟ بگویم خیر، حتی نامم را هم برای نجات ایران نمیخواهم خرج کنم؟ شما بودید (خطاب به بنده) چه میگفتید؟ منم گفتم خیلی خوب امیدوارم موفق شوید. این صحبت ها که شما میفرمائید که بنده بیعت کردم با تداوم سلطنت به شرط همه پرس و مسائل تابعه اصلاً در صحبت های فیما بین ما نبوده است نمیدانم چرا نام و سوابق خدمت بنده رسیده به آنجا که بقول شما به لاتاری گذاشتن سلطنت رسیده است»

#### ۶- شاهدی از نیویورک

پس از انتشار مقالات بیعتی ها در رابطه با تانید فراخوان دکان همبستگی آقای نصر اصفهانی یکی از ایرانیان مقیم نیویورک که سالهای سال مشترک سنگر است با سنگر تماس تلفنی گرفت تا درباره مقاله انتقادی سنگر صحبت کند وقتی توضیح دادم که عمل تانید فراخوان کنگره همبستگی نوعی بیعت است، ایشان که بتصدیق موضوع رسیده بود بدون اینکه اظهارات مرا رد کنند گفتند: «آخر اعلیحضرت کاری نمیکند بالاخره باید برای نجات ایران کاری میکردیم»

عرض کردم کار نکردن اعلیحضرت دلیل آن نمیشود که ما تداوم ۲۵۰۰ ساله سلطنت را به چاه تردید واژگون سازیم و اساساً طرح براندازی چه ارتباطی به اعلام پایان یافتن رژیم سلطنتی ایران دارد، کیست که نداند اگر جای پائی در راه نجات ایران شناخته و پیدا شود همان جای پای شاهنشاهی ایران است، اضافه کردم اگر در نشست کنگره و اشنگتن بجای اعلام همه پرس و قاطعانه از اعلیحضرت خواسته میشد که بوظائف قانونی خود عمل کنند و کنگره، اعلیحضرت رامتصدی سلطنت و رهبر سیاسی و قانونی خود میدانست آیا میتوان تاثیر این مهم را در حرکت اصیل مبارزه نادیده گرفت؟ ایشان که از آنچه رویداده چندان راضی بنظر نمیرسید گفتند «به بینیم چکار کنیم»

**حاشیه** - اتفاقاً بایکی از آقایان افسران که در خصوص موضوع صحبت کردم ایشان هم متمسک<sup>۱</sup> به همین شد که «اعلیحضرت که کاری نمیکند» بنده به ایشان گفتم اگر اسبی که باید محموله بسیار مهمی را بوسیله چهار چرخه ای حمل کند بهر علت که باشد آن اسب نتواند و یا نخواهد حمل بار را تحمل کند آیا باید آن اسب را تقویت کرد و موانع را برداشت و در حرکت چهار چرخه کمک داد و یا باید با ضربه زدن دست و پای اسب را قطع کرد تا با سینه بیفتد روی زمین و چهار چرخه هم برای ابد به ژرفنای سقوط کشیده شود؟ رفتار ما با سلطنت و تداوم آن مصداق همین تشبیه است ..... (پایان حاشیه)

<sup>۱</sup> - متمسک [م ت م س س] [ع ص] جنگ درزننده . (آندراج) (ناظم الاطباء) (از منتهی الارب) (از اقرب الموارد) : (به حیل تقوی و یقی... لغت نامه دهخدا - ح-ک)

## رازگشائی یکی از افسران بیعتی

یکی از آقایان افسران بیعتی در رابطه با اعتراضات سنگرمطالبی عنوان نموده که همراه یک رازگشائی است مختصر اعتراض ایشان با شرط امانت چنین است:

«اعتراضات سنگر ممکن است نسبت به آقایان غیرنظامیان وارد باشد ولی نسبت به افراد نظامی که به کنگره رفته و امضا هم داده اند وارد نیست.»

ما نظامیان یک عادت دیرینه منطبق با قانون داریم که آماده و مستعد دستورمقام بالا تریم و اگر غیر از این قبول شود نظام ارتشی پایرجا نمیماند.

نمونه اش اعلامیه بیطرفی ارتش است که وقتی ارتشبد فردوست که نزدیک ترین و وفادارترین ارتشیان به شاهنشاه ایران بود اعلامیه بیطرفی را امضا کرد همه افسران حاضر هم آنرا تائید کردند.

ما نظامیان نمیتوانیم بحثهای سیاسی شما غیرنظامیان را مطرح و طبق آن عمل کنیم ما بفرمانی که از جانب شاه صادر میشود و یا طوری از قبیل استنباطی آنرا از شاه میدانیم تمکین میکنیم.

آقای دکتر نصر اصفهانی در سال گذشته یک نامه ای با عنوان بسیار محرمانه زیر نام یادنامه برای بنده و امثال من فرستادند که در سطر اول آن نوشته شده بود:

«افتخار دارم که به آگاهی برسانم که اعلیحضرت رضاشاه دوم برای تبادل نظریه بیانیه اخیر در باره رفتارندم روز جمعه هفتم ژانویه نویسنده نامه (مقصود آقای دکتر نصر اصفهانی است) را احضار فرمودند و با حضور شهودی مانند شهیریار آهی و سرهنگ اویسی مسائلی که لازم بود مطرح شد»

نامه مزبور از آنجاکه از ناحیه دفتر تکذیب نشد و شهود هم آنرا تکذیب نکرده اند از نظر بنده نظامی میتواند ابلاغ امر و نظر اعلیحضرت تلقی گردد آنهم در این موقعیت .....

جریان لایحه دفاعی ایشان مفصل است که در سنگر ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۵۸ درج میباشد.

## دستاوردهای حقوقی از شهادتها

نظریه اینکه در تشکیل شخصیت سیاسی کنگره همبستگی ایرانیان، نه تنها اصالت و صداقت لازم وجود نداشته بلکه اغواگری، دروغ، پنهان کاری کُره و تقلب ملاط همبستگی سیاسی کنگره محسوب میشود و نظریه اینکه قراردادهای اعم از خصوصی و یا اجتماعی در صورت آلودگی به کُره و تقلب و اغواگری باطل و مبطل تصمیمات اتخاذ شده میباشد.

و نظریه اینکه اتهامات مزبور علاوه بر اینکه موضع شخصیت سیاسی کنگره را در بی اعتباری جدی قرار میدهد و نظریه اینکه آثار جرم حقوقی اعمال مزبور متوجه مسئولین کنگره یعنی شخص آقای دکتر نصر اصفهانی است لذا ائتلاف و همبستگی و فعالیت سیاسی افراد و یاسازمان های سیاسی با کنگره، آنها را شریک در اتهامات وارد به کنگره مینماید و فعالیت زیر نام جدید در صورتی که با مشارکت کنگره باشد تاثیری در توجه اتهام به همبستگان ندارد (همکاری خوبان بابدان، خوبان را بد معرفی میکند و سبب پاک دامنی بدان نمیشود) (یک بزرگناله را گرمیکند)

=====

به لینک های زیر در سایت ۱۴۰۰ سال هم نگاه کنید:

<http://1400years.org/AmirFeyz/OpositionDarGerdBadNasrIspahani-AmirFeyz-26-Aug2012.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/ZamimehFezahateJebebehHamahangi-Amirfeyz-18Aug2012.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/FezahateJebebehHamahangi-Amirfeyz-16Aug2012.pdf>